

سیاستی که کاخ سفید در هنگ کنگ دنبال می کند

امریکا دنبال انقلاب رنگی در خارج نزدیک چین

✚ **دورنا**

سجاد مرادی کلارده

استراتژیک و موازنه

قدرت در برابر چین در بی مداخله در امور هنگ کنگ است. هنگ کنگ به عنوان منطقه خودمختار تحت تسلط چین، اخیراً و پس از امضای لایحه استرداد مجرمان با چین، با اعتراضات مردمی مواجه شده است. مخالفان این لایحه از نسویی معتقدند که استرداد مجرمان و محاکمه آنها در دادگاه‌ها و طبق نظام قضایی چین، بی تفاوتی نسبت به حاکمیت هنگ کنگ تلقی شده و باید لغو شود و از سوی دیگر نیز بر همین اساس خواستار استعفای کاری لِم، رئیس دولت منطقه‌ای هنگ کنگ شده‌اند اما در این بین، نکته شایان توجه در رابطه با این اعتراضات داخلی، واکنش دولت‌های خارجی به ویژه غربی به آن است. تا جایی که برخی کشورها مانند ایالات متحده و انگلیس با استناد به آنچه دخالت چین در امور داخلی هنگ کنگ می‌نامند، این ناآرامی‌ها را مورد استقبال قرار داده‌اند. در همین رابطه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکانیز گفت که به‌ندرت شاهد اعتراضات اینچنینی بوده و آن را اثاث کننده می‌دانست. پیش از این و پس از ابراز نگرانی وزارت امور خارجه امریکا در مورد لایحه فوق، برخی نمایندگان کنگره نیز با تیکه های پیش‌نویس، آنچه حمله چین به منطقه خودمختار هنگ کنگ نامیدند را مورد اعتراض قرار دادند.

در رابطه با مداخله امریکا در امور هنگ کنگ توجه به چند نکته لازم است. در ابتدا باید به نقش و اهمیت هنگ کنگ برای امریکا اشاره کرد. هنگ کنگ منطقه‌ای خودمختار به وسعت ۲۳۰ مایل در جنوب چین است که بعد از ۱۵۰ سال در سال ۱۹۹۷ با خروج از وضعیت مستعمره دولت بریتانیا به چین محقق شد. اکثر قریب به اتساق مردم این منطقه چینی‌تبار هستند. بیشترین دلیل اهمیت هنگ کنگ برای کشورهای خارجی، اهمیت آن در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است؛ به گونه‌ای که از مهم‌ترین بازارهای مالی و تجاری آسیا و جهان محسوب می‌شود. هنگ کنگ همچنین به مدت بیش از

۶۶

امریکا علاوه بر استفاده از ابزار های اقتصادی برای راه اندازی جنگ تجاری علیه چین، مایل است تا سنار یوهایی شبیه دستور کار های سیاست خارجی این کشور در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نظیر انقلاب های رنگی را در چین نیز مورد آزمایش قرار دهد

۲۰سال است که بالاتر از امریکا و کشورهای اروپایی، آزادترین اقتصاد جهان لقب گرفته است. هنگ کنگ بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در آسیات و تجارت خارجی آن به بیش از یک تریلیارد دلار می‌رسد. این منطقه همچنین در سال ۲۰۱۸ با حدود ۱۱۶ میلیارد دلار، رتبه سوم جذب سرمایه‌گذاری خارجی در جهان را پس از امریکا و چین کسب کرده است. تجارت کالا و خدمات بین امریکا و هنگ کنگ در سال ۲۰۱۸ حدود ۶۷ میلیارد دلار بوده که از این میزان ۵۰ میلیارد دلار صادرات امریکا و مابقی واردات از هنگ کنگ بوده است. از این لحاظ هنگ کنگ بیست و یکمین شریک بزرگ تجاری امریکا به حساب می‌آید.

یکی از مهم‌ترین موارد اهمیت اقتصادی هنگ کنگ برای امریکا از نظر بدهی‌های خارجی واکنستن است. بر اساس آمار سال ۲۰۱۸ خزانه‌داری امریکا، بدهی عمومی امریکا حدود ۱۶ هزار میلیارد دلار است. هنگ کنگ بنا به بیش از ۱۹۶ میلیارد دلار، در رتبه دهم بستانکاران از امریکا قرار دارد و طبعاً از این نظر همسوی بودن دولت منطقه‌ای در هنگ کنگ می‌تواند به نفع امریکا باشد. هنگ کنگ در سال‌های اخیر همچنین تحت تأثیر سیاست افزایش تعرفه‌های تجاری امریکا علیه کالاهای وارداتی چینی به ویژه محصولات آلومینیومی و فولاد قرار گرفت که به گفته مقامات این منطقه

علاوه بر منفی‌سازی برخی شاخص‌های اقتصادی در

مقاطع مختلف، بیکاری ۲۰ درصدی مردم آن را به همراه داشته و مورد اعتراض واقع شده است. اتصال هنگ کنگ به اقتصاد جهانی و کنترل آن توسط حزب کمونیست چین نیز برای امریکا ناخوشایند است. به علاوه بیشترین صادرات هنگ کنگ نیز به چین به عنوان قلمروی اصلی انجام می‌شود.

در درجه بعدی باید به رقابت‌های کلان امریکا و چین طی سال‌های اخیر به ویژه در حوزه‌های اقتصاد جهانی اشاره کرد که مبتنی بر آن این کشور هرگونه هرج و مرج و ناآرامی در فضای جغرافیایی چین را مورد استقبال قرار می‌هد و در شرایط کنونی نیز سعی دارد با موج‌سواری روی اعتراضات هنگ کنگ از آن در جهت تضعیف قدرت رو به فزونی چین در عرصه جهانی استفاده کند. بسیاری از کارشناسان بین‌المللی سر این اعتناقدند که نظام بین‌الملل در حال یک تغییر ژئوپلیتیک مهم یعنی تغییر قدرت جهانی از غرب به سوی شرق است. بدین معنی که آنها از برآمدن و ظهور سیاست و قدرت از آسیا تاآکید دارند. تئوریاتی از این دست موجب چپشش مجدد

چهارگاه

سراسر بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴۴



قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و روآمدن چین به عنوان یک بازیگر مهم جهانی شده است. در عین حال، نقش چین در نظام بین‌المللی آنرا شیک کنونی امروزه در حال گذار از بازیگری کلیدی در اقتصاد جهانی به رهبری جهانی است. در همین چارچوب باید گفت که اهتمام ویژه مقامات و رهبران چینی به مدیریت چالش‌های فراو توأم با تلاش برای احیای جایگاه واقعی این کشور از آغاز دهه ۱۹۷۰ و تشدید فرایند اصلاحات و تنش‌زدایی با نظام بین‌المللی با اولویت دادن به منافع ملی و کم‌رنگ کردن متغیر ایدئولوژی، شرایطی را مهیا کرده است که بعد از گذشت تقریباً سه دهه از عصر مگلگرای چینی با پیشگامی دنگ شیائوپینگ، امروزه نه تنها چین مؤلفه قدرت را به تدریج تحکیم بخشیده، بلکه نگرانی‌هایی را نیز در محافل تصمیم‌گیری غرب به ویژه امریکا به وجود آورده است.

به همین ترتیب امریکا علاوه بر استفاده از ابزارهای اقتصادی برای راه‌اندازی جنگ تجاری علیه چین، از مواجه‌پکن با مناقشات داخلی نیز استقبال می‌کند. به طور کلی واکنستن مایل است تا سنار یوهایی

شبیه دستور کارهای سیاست خارجی این کشور در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نظیر انقلاب‌های رنگی را در چین نیز مورد آزمایش قرار دهد. اتخاذ این رویکرد از سوی کاخ سفید تا پیش از این همچنین در دستور کار برخی از اندیشکده‌های امریکایی نیز قرار داشته است. هنگ کنگ در سال‌های گذشته با یک جنبش اعتراضی تحت عنوان «شغال مرکزی» مواجه بوده است که در قالب موضوعاتی مانند پیشبرد حق انتخاب همگانی و اولویت دادن به منافع ملی و کم‌رنگ کردن متغیر ایدئولوژی، شرایطی را مهیا کرده است که بعد از گذشت تقریباً سه دهه از عصر مگلگرای چینی با پیشگامی دنگ شیائوپینگ، امروزه نه تنها چین مؤلفه قدرت را به تدریج تحکیم بخشیده، بلکه نگرانی‌هایی را نیز در محافل تصمیم‌گیری غرب به ویژه امریکا به وجود آورده است.

به همین ترتیب امریکا علاوه بر استفاده از ابزارهای



✚ **رویکرد**

منییب الساخ *

بیشتر سیاستمداران غرب درساره دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا و برخورد وی با مسائل بین‌المللی اتفاق نظر دارند که وی در همه بحران‌های سؤال‌برانگیز که از زمان ورودش به کاخ سفید با آن روبه‌ر شده، در صدد حل هیچ‌یک از این بحران‌ها نبوده تا بتواند همواره در صحنه ماهوار ه‌ها و در صدر صفحه‌های مجلات و روزنامه‌های خودنمایی کند. افرادی که با زوایای شخصیت و زندگی ترامپ آشنا هستند، تاآکید دارند که وی اصرار بیمارگونه‌ای دارد تا همواره مورد توجه دیگران باشدو در صدر اخبار قرار بگیرد. در واقع حمایت وی از مسابقات ملکه زیبایی و شرکت در کشتی کج مهر تأییدی بر این موضوع است به گونه‌ای که به بزرگ‌ترین شومن تلویزیونی امریکا تبدیل شد تا اینکه وی در انتخابات امریکا کاندیدا شد. بسیاری از نریکان وی گفته‌اند وی فقط برای شناخته شدن دست به این اقدامات می‌زد و هرگز در اندیشه برنده شدن در انتخاباتی نبود که هنوز نیز جنگال برانگیز است. خودنمایی ترامپ در برخورد با دو مسئله بین‌المللی بسیار مهم یعنی توافق هسته‌ای ایران و سلاح هسته‌ای کره‌شمالی نیز به مرز خطرناکی

ترامپ و جنون خودنمایی مقابل دوربین‌ها

رسید اما برخورد وی با آنها درست مانند مسابقات ملکه زیبایی یا کشتی کج بود. وی در این دو مسئله نیز درصدد حل آن نبود بلکه برعکس برای بحرانی کردن این دو مسئله سمت خودش تلاش می‌کرد تا هموار مسئله روز بوده و در مرکز همه حوادث باشد. در همه دنیا بدون استثنا، فقط رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و بحرین، خروج ترامپ از توافق هسته‌ای را تأیید کرده‌ند زیرا همه دنیا امروز اتفاق نظر دارند که ترامپ بدون هیچ دلیلی از این توافق خارج شد. وقتی می‌گویم وی بدون هیچ دلیلی از توافق هسته‌ای خارج شد به خوبی می‌دانیم چه می‌گویم زیرا خروج وی از این توافق، افزون بر حسادت و حشنتناک وی به باراک اوباما رئیس‌جمهور پیشین امریکا و از مهندسان این توافق، افکار عمومی را از توافق، بر وی معطوف کرد. این روز می‌توان به خوبی دلیل اصرار عجیب و غریب ترامپ بر مذاکره با ایران بدون زمینه‌سازی برای این مذاکره که همان بازگشت به توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه بر ایران بود را فهمید، زیرا وی به سادگی می‌خواهد خبر اول جهان باشد بدون اینکه به حل بحرانی که بدون هیچ توجیحی جز بی‌ثباتی روحی و روانی آن

اداره کبث ثبت اسناد واملاک استان بوشهر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی

وساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۲۲۴۰۰۶۰۰۶۱۹ هیات اول/ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کنگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی شریف پور فرزند مجید به شماره شناسنامه ۲۹۲۸ صداره از بوشهر در یک باب خانه/ به مساحت ۱۲۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در کنگان خریداری از مالک رسمی بنیاد مستضعفان محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دلخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

م الف: ۱۹۲/امیر حسین شعبانی- نیس ثبت اسناد واملاک کنگان
تاریخ نوبت اول: ۴/ ۱۵/ ۱۳۹۷- تاریخ نوبت دوم: ۴/۲۰/۱۳۹۷

جنگ روایت وهایی- اخوانی در لیبی

پرورده

سید نعمت‌الله عبدالرحیمزاده

دستور پیشروی به سمت طرابلس را داد

تا با فتح این شهر هم پایتخت کشور را به دست آورده باشد و هم اینکه کار دولت وفاق ملی لیبی به رهبری فائزالسراج را یکسره کند. دستور او صادر شد و از آن موقع تا حالا نیروهای او در بیرون از شهر خیمه زده‌اند و درگیری‌های خونین جریان داشته تا آنجا که شورای امنیت تا کنون چند جلسه تشکیل دادو از طرفین درخواست آتش‌بس کرد؛ درخواستی که حفر کمترین توجهی به آن نداشته است. مقاومت قابل توجه نه تنها امید حفر برای فتح بی‌در دسر این شهر را به باد داده بلکه نقش ترکیه را در جنگ داخلی این شهر پررنگ کرده است و از طرف دیگر، ممانعت امریکا در جلسه اخیر شورای امنیت از صدور قطعنامه‌ای علیه حفر نشان داد که پشت این ژنرال کار کشته به کجا گرم است. در هر صورت، لیبی این روزها بیشتر از اختلافات داخلی قربانی قدرتهای خارجی است که باعث شده تا این جنگ مبدل به جنگ نیابتی آن قدرت‌ها با یکدیگر شود.

اتکارا حامی طرابلس

حفر پیش از یک ماه قبل بود که هشدار داد هر کشتی ترکیه‌ای که به سمت بنادر غربی لیبی حرکت کند، مورد هدف قرار خواهد گرفت. سسر تیپ فرج المهدوی، رئیس ستاد نیروی دریایی ارتش ملی لیبی برای عملی کردن هشدار او دستور هدف قرار دادن هر کشتی ترکیه‌ای را داد که به سمت بنادر غربی لیبی حرکت کند.

این هشدار و تهدیدها به دنبال گزارش‌هایی داده شدند که حکایت از رفت و آمد یک کشتی ترکیه‌ای به نام آمازون به سمت بنادر غربی لیبی به خصوص بندر طرابلس و بندر خمس داشت. در این گزارش‌ها گفته می‌شد که کشتی ترکیه‌ای تجهیزات نظامی از جمله خودروهای نظامی ضدمین ترکیه از نوع بی‌ام سی کریبی و انواع تسلیحات و مهمات را در این بنادر تخلیه کرده و به نیروهای دولت وفاق ملی تحویل داده است. حفر تصور می‌کرد که با این نوع تهدیدها می‌تواند اتکارا را وادار به تجدیدنظر کند اما وقتی که دید هشدار او اثری ندارد دست به کار شد و نیروهای او شش شهروند دریاورد ترک را بازداشت کردند تا به آنکارا پیام‌جدی‌سی نسبت به عواقب دخالتش در لیبی داده شود. این کار نه تنها ترکیه را وادار به عقب‌نشینی نکرد بلکه هشدار سنگین خلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه، روند کار را معکوس و حفر را مجبور به از آاز کردن دریاوردان ترکیه کرد. در واقع، این نوع واکنش حفر به دلیل تأثیری بود که حمایت ترکیه از دولت وفاق ملی و نیروهایش در عرصه جنگ داشت چراکه بعد از سرازیر شدن تسلیحات ترکیه به همراه مستشاران نظامی آن به طرابلس، نیروهای دولت وفاق ملی نه تنها توانستند حملات متعدد و سنگین نیروهای حفر به طرابلس را دفع کنند بلکه پیشروی‌هایی هم داشته باشند و عاقبت شهر غریان را در ۷۵ کیلومتری جنوب پایتخت از دست نیروهای حفر خارج کردند. سلاجح‌های کشف شده از انبار نیروهای حفر در این شهر نقش امارات و حتی امریکارا در جنگ نیابتی لیبی نشان داد.

جناح عربی- غربی

تسلیمات کشف شده از انبارهای غریان نشان داد که نیروهای حفر مججز به تسلیحات امریکایی هستند که دست کم از سوی امارات یا عربستان به آنها رسیده است. این مهمات به اندازه کافی مدرکی برای وجود قدرتی در پس تحرکات حفر است که سر رشته آن نه در دولت مستقر طبق در شرق لیبی، بلکه در خارج از لیبی و در مثلث عربی منشکل از عربستان، امارات و مصر با حمایت آشکار و پنهان امریکاست. امریکا مانع تصویب قطعنامه‌ای علیه حفر در شورای امنیت سازمان ملل شده و این نکته به وضوح دلالت بر حمایت امریکا از حفر دارد که نمی‌خواهد با تصویب این قطعنامه زمینه محکومیت جهانی حفر به انجام جنایات جنگی فراهم شود. دخالت مثلث عربی برای تقویت حفر و نیروهایش اقتدر آشکار است که استقنایی ویلیامز، معاون فرستاده سازمان ملل متحد در لیبی، طی مصاحبه‌ای با بلومبرگ از تر س خود نسبت به وقوع یک جنگ نیابتی بسیار قوی در لیبی گفت و تأکید کرد که «شواهد نگران‌کننده‌ای در مورد ارسال سلاح به دو طرف از منابع مختلف خارجی وجود دارد.» اگر کشتی آمازون ترکیه‌ای مدرک واضحی در مورد ارسال سلاح از ترکیه برای دولت وفاق ملی در طرابلس باشد، تسلیحات کشف شده در غریان هم نشان داد که تسلیحات حفر از سمت غرب و مثلث عربی وارد می‌شود. میزان این تسلیحات در لیبی اقتدر زیاد شده که برخی آمارها وجود ۲۰ میلیون قبضه سلاح در لیبی را برای این کشور ۵میلیونی تأیید می‌کنند. این بدان معناست که درازای هر لیبیایی چهار اسلحه هست و این میزان فوق‌العاده از حجم تسلیحات تنها حکایت از اهمیت جنگ فعلی برای کشور‌های خارجی دارد که با هر قیمت به دنبال بیروزی جناح حفر مردم حمایت خود در این جنگ نیابتی هستند.

اهداف جنگ نیابتی لیبی

در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که جنگ فعلی در یمن رقابت بین دو طرف شرق و غرب این کشور است که از زمان سقوط سرهنگ قذافی در هشت سال قبل شروع شده اما باید گفت که این ظاهر قبیضه اصل موضوع رقابتی است که دو جناح خارجی برای نفوذ در لیبی دارند. شاید بتوان گفت این رقابت از زمانی شروع شد که گروه اخوان المسلمین و شبه‌نظامیان آن موسوم به فجر لیبی در چهار سال قبل کنترل طرابلس را به دست گرفتند و دولت عبدالله الثنیی را مجبور به کناره‌گیری و خروج از پایتخت کردند. این جریان دو سال بعد از کودتای عبدالفتاح السیسی در مصر و سقوط دولت اخوان المسلمین به رهبری محمد مرسی در قاهره به دست او بود. به عبارت دیگر، اخوانی‌ها که حکومت خود را در مصر از دست داده بودند، سعی کردند تا با تمرکز در طرابلس به نحوی مهار حکومت در لیبی را به دست بیاورند تا در مصر جبران مافات کرده باشند. در مقابل، دشمنان اخوانی‌ها با همان مثلث عربی عربستان، مصر و امارات بیکار ننشسته و نه تنها عبدالله الثنیی را در شهر طبرق واقع در شرق لیبی مستقر کردند بلکه ژنرال حفر را هم با تمام امکانات لازم مججز کردند تا بتواند در وهله اول جنگ با جریان اخوانی و متحدانش در بنغازی را با عملیاتی به نام کرامت لیبی به راه بیندازد و بعد از پاکسازی شرق لیبی از این جریان، رفته رفته به سمت غرب و در نهایت، طرابلس حرکت کند. بنابراین جنگ لیبی در یک چشم‌انداز کلی رقابت بین دو جریان اصلی اخوانی و مخالفان آن است که ترکیه و قطر در سمت اخوانی قرار گرفته‌اند و آن مثلث عربی در سمت مقابل آن و نیروهای میدانی به نیابت از این کشور با یکدیگر می‌جنگند. شکی نیست که بیروزی هر طرف روایتی به طور کامل متفاوت از لیبی را به وجود می‌آورد. در صورتی که دولت وفاق لیبی و فائز السراج بیروز شود، ترکیه و قطر پایگاه اصلی و مهمی برای بقا و تقویت جریان اخوانی در شمال آفریقا به دست می‌آورند که می‌توانند از این پایگاه نه تنها برای تقویت اخوان‌المسلمین در لیبی بلکه برای شمال آفریقا از الجزایر گرفته تا تونس و مصر استفاده کنند. در وهله نخست، این کابوسی سیسی است که حالا شاید بعد از مرگ مرسی تا انداز‌های نفس راحت می‌کشد و در وهله دوم، کابوسی برای امارات و سعودی‌هاست که رقابتی دیرینه با اخوانی‌های شمال آفریقا دارند و روایت وهایی را برای مقابله با نفوذ این اخوانی‌ها در خاورمیانه ترویج می‌دهند. با توجه به این رویارویی منطقه‌ای است که باید گفت جنگ داخلی لیبی تنها یک رقابت درونی برای تعیین جانشین قذافی هشت سال بعد از سقوط و مرگ او نیست بلکه رقابت دو نگرش اخوانی وهایی است که هر دو طرف با روایت خود به دنبال غلبه بر کشورهای عربی است. اگر ترکیه و قطر بیروز این نبرد بشوند هم می‌توانند به آینده نقش خود در مصر امیادوار شوند و هم از ثروت نفت و گاز لیبی برای مقابله با آن مثلث عربی استفاده کنند. اگر که مثلث عربی موفق شود نه تنها امنیت مصر به عنوان یک پایه این مثلث را تضمین کرده‌اند بلکه حتی می‌توانند باقیمانده اخوانی‌ها مثل النهضه در تونس را هم با از بین‌برند یا به شدت تضعیف کنند. لیبی با این نحو رویارویی قربانی جنگ نیابتی و فدای منافع کشورهای خارجه شده و به نظر هم نمی‌رسد بتوان پایانی برای این جنگ و مصائب آن تصور کرد.